

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه Prediction of identity styles based on sensitivity to reward and punishment

M.A. Goodarzi: Associate Professor, Shiraz Uni.

E-mail: mgoodarzi@rose.shirazu.ac.ir

L. Shameli: MA in Clinical Psychology

محمدعلی گودرزی: دانشیار دانشگاه شیراز

لیلا شاملی: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

Abstract

Aim: The purpose of current research was to determine the relationship between sensitivity to punishment/reward and identity styles on the basis of Gray's model (1987) of Behavioral Activation System (BAS) and Behavioral Inhibition System (BIS) in undergraduate students. **Method:** Method of study was correlational and the sampling method was multiple-stage cluster sampling consisting of 188 (82 girls and 106 boys) undergraduate students from three colleges of Kazeroun University in southern Iran. Measures were Sensitivity to Reward and Sensitivity to Punishment Questionnaire (SPSR, Torrubia, Avila, Molto & Caseras, 2001) and Identity Styles Inventory (ISI-6G, White, Wampler & Winn, 1998). The correlations between variables were analyzed using Pearson correlation coefficient and hierarchical regression analysis. **Results:** Findings indicated that sensitivity to reward and punishment could predict 13 percent of variance of the information identity style and 11 percent of variance of the normative identity style. However, sensitivity to punishment alone could predict 14 percent of variance of the diffuse-avoidant identity style. **Conclusion:** On the basis of our results and other research findings, the use of sensitivity to reward is the most appropriate way for developing identity. Also, results show that the use of sensitivity to punishment for developing identity not only has positive effects but may also result in negative effects and a diffuse-avoidant identity style.

Keywords: *identity styles, punishment, reward, sensitivity*

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه مطابق با الگوی گری (۱۹۸۷) در مورد دو نظام فعال‌ساز و بازدارنده رفتاری و انواع سبک‌های هویت در دانشجویان بود. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود که ۱۸۸ نفر (۸۲ دختر و ۱۰۶ پسر) دانشجوی دوره کارشناسی از سه دانشکده دانشگاه آزاد شهرستان کازرون به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه تروپیا، آویلا، مولتو و کاسراس (۲۰۰۱) و مقیاس سبک‌های هویت وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸) بود. روابط بین متغیرها به ترتیب با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی به شیوه سلسله مراتبی تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه می‌تواند ۱۳ درصد واریانس سبک هویت اطلاعاتی و ۱۱ درصد واریانس سبک هویت هنجاری را تبیین کند. این در حالی بود که تنها، حساسیت نسبت به تنبیه قادر به پیش‌بینی سبک هویت سردرگم-اجتنابی آن هم به میزان ۱۴ درصد بود. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های گذشته استفاده از حساسیت نسبت به پاداش برای شکل‌دهی هویت، مناسب‌ترین روش به نظر می‌رسد. همچنین، استفاده از حساسیت نسبت به تنبیه برای شکل‌دهی هویت علاوه بر اثرات مثبت می‌تواند به اثرات منفی و ایجاد سبک هویتی سردرگم-اجتنابی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: پاداش، تنبیه، حساسیت، سبک‌های هویت

مقدمه

اریکسون^۱ (۱۹۶۸) احساس داشتن هویت را، ساماندهی پویا و خودساخته از انگیزه‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخ شخصی می‌داند که به صورت «خود» یکپارچه و مستقل، هدایت‌کننده مسیر در حال رشد زندگی فرد است (مونتگومری^۲، ۲۰۰۵). برزونسکی^۳ (۱۹۹۴) با رویکردی پسامدرن، هویت را غیر متمرکز، پویا، متعدد، وابسته به بافت، نسبی، سیال و چند بخشی می‌داند. سنید و وایت‌بورن^۴ (۲۰۰۳) معتقدند که هویت مانند قطب نما، فرد را در طول زندگی‌اش هدایت می‌کند و به او جهت می‌دهد و طرحواره شناخت-اجتماعی سازماندهی شده‌ای را شکل می‌دهد که فرد از طریق آن، تجربیاتش را تعبیر و تفسیر می‌کند و تجربیات نیز بر آن تأثیر گذار است. هویت را مجموعه‌ای از عناصر شخصیت فرد تعریف کرده‌اند که به وی امکان می‌دهد تا موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند (هاشمی، ۱۳۸۵).

طبق دیدگاه شناختی-اجتماعی برزونسکی (۲۰۰۴)، برخی تفاوت‌های سبکی در پردازش و شیوه مرجح افراد در مواجهه با اطلاعات و موضوعات مرتبط با هویت وجود دارد. نظریه سبک‌های هویت به جای تمرکز بر پیامد شکل‌گیری سبک‌ها، بر فرایند شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند. بر این اساس سه جهت‌گیری یا سبک پردازش هویت شامل «سبک اطلاعاتی»، «سبک هنجاری» و «سبک سردرگم-اجتنابی» از یکدیگر متمایز می‌شوند.

افراد دارای سبک هویتی اطلاعاتی، خود تأمل‌گر بوده و اطلاعات مربوط به خود را فعالانه جستجو و درباره سازه‌های ذهنی خود شک می‌کنند و می‌خواهند آن‌ها را بیازمایند. افراد با سبک هنجاری، سازگار و وظیفه‌شناس بوده و همچنین «خود» آن‌ها پایدار و زودرس است. این افراد بیشتر به جنبه تأیید اجتماعی و جامعه‌پسندی رفتارها توجه می‌کنند و ملاک خود را برای پذیرش ارزش‌ها، تأیید افراد معتبر قرار می‌دهند (برزونسکی و کاک^۵، ۲۰۰۵). در نهایت، افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی همواره می‌کوشند تا حد امکان از مواجهه با موضوعات مرتبط با هویت اجتناب کنند و تمایلی به روبه‌رو شدن با مسائل شخصی نشان ندهند. این افراد در برخورد با مسائل به قدری درنگ می‌کنند که شرایط باعث بروز رفتاری خاص از آن‌ها شود، بدون آن که هزینه فکری خاصی برای آن داده باشند (برزونسکی، ۲۰۰۸).

-
1. Erikson
 2. Montgomery
 3. Berzonsky
 4. Sneed & Whitboun
 5. Kuk

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

در چند دهه اخیر گستره روان‌شناسی شخصیت شاهد تلاش‌های فراوان نظریه‌پردازانی بوده است که در پی تبیین تفاوت‌های فردی از طریق متغیرهای دارای مبنای زیست‌شناختی بوده‌اند. یکی از شناخته شده‌ترین نظریه‌ها را در این وادی، آیزنک^۱ (۱۹۹۷-۱۹۱۶) مطرح کرده است. اما نظریه آیزنک موجب ترغیب نظریه‌پردازان دیگری همچون گری^۲ در جهت ارائه نظام‌های تبیینی دقیق‌تر در زمینه تفاوت‌های شخصیتی شده است. به اعتقاد گری، سه سیستم مغزی- رفتاری در افراد وجود دارد که فعالیت آن‌ها زمینه‌ساز تفاوت‌های شخصیتی، تجربه حالت‌های مختلف هیجانی و پردازش متفاوت اطلاعات است. این نظام‌ها عبارتند از: ۱. نظام فعال‌ساز رفتاری^۳ که نمایانگر حساسیت به نشانه‌های پاداش است؛ ۲. نظام بازداری رفتاری^۴، که مسئول پاسخ به نشانه‌های تنبیه است و ۳. نظام جنگ-گریز^۵ که به تجربه‌های آزارنده غیرشرطی مربوط می‌شود (گری، ۱۹۸۷).

گری (۱۹۹۴) مطرح می‌کند که میزان و غلبه سه نظام مغزی/ رفتاری در افراد مختلف متفاوت است و افراد از لحاظ این‌که کدام نظام رفتاری در مغزشان فعال است، نسبت به پاداش‌ها و تنبیه‌های موجود در جامعه از حساسیت متفاوتی برخوردارند. در این میان، دو نظام *بازدارنده* و *فعال‌ساز رفتاری* توجه دانشمندان بالینی زیادی را به خود جلب کرده است (مک فارلند، شانکمن، تنکی، برودر و کلین^۶، ۲۰۰۶؛ جانسون، ترنر و آیوات^۷، ۲۰۰۳؛ کاج، روتنبرگ، آرنو و گاتلیب^۸، ۲۰۰۲). نظام بازداری رفتاری مجموعه‌ای از ساختارهای مغزی است که منجر به بازداری در پاسخ‌دهی به تنبیه‌های مورد انتظار و واقعی می‌شود. افراد با نظام بازداری رفتاری بالا، هنگام مواجهه با محرک‌های اجتماعی و غیراجتماعی ناآشنا، چالش‌برانگیز و تهدیدکننده، اضطراب بیشتری از خود نشان می‌دهند (فاکس، هندرسون، مارشال، نیکلز و گرا^۹، ۲۰۰۵؛ لین فلنر، ولنسکی و فلدنر^{۱۰}، ۲۰۰۴).

برعکس، نظام فعال‌ساز رفتاری شامل مجموعه‌ای از ساختارهای مغزی است که به حرکت به سوی مشوق‌های مورد انتظار و واقعی منجر می‌شود. افراد با نظام فعال‌ساز رفتاری بالا، نسبت به

-
1. Eysenck
 2. Gray
 3. Behavioral Activation System (BAS)
 4. Behavioral Inhibition System (BIS)
 5. Fight/Flight System (FFS)
 6. McFarland, Shankman, Tenke, Bruder & Klein
 7. Johnson, Turner & Iwata
 8. Kasch, Rottenberg, Arnow & Gotlib
 9. Fox, Henderson, Marshall, Nichols & Ghera
 10. Leen-Felner, Zvolensky & Feldner

مشوق‌هایی مانند پاداش‌ها یا اهداف خواستنی، با هیجان و عاطفه بیشتری پاسخ می‌دهند (دیویدسون^۱، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش همیل^۲ (۲۰۰۷) در مورد بررسی ارتباط میان نظام بازداری رفتاری/ نظام فعال‌ساز رفتاری و آسیب‌شناسی افسردگی در کودکان، نشان داد که هویت فرهنگی یک عامل واسطه‌ای بالقوه در ارتباط با نظام‌های بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری و علائم افسردگی است؛ به گونه‌ای که در کودکان با نظام فعال‌ساز رفتاری پایین، هویت فرهنگی - بومی قوی، علائم افسردگی را کاهش در حالی که در کودکان با نظام فعال‌ساز رفتاری بالا، همان هویت فرهنگی، علائم افسردگی را افزایش می‌داد. همچنین، یافته‌های چن، سن، لی و هی^۳ (۲۰۰۵) حاکی از آن بود که در فرهنگ‌های غربی مخصوصاً در کانادا، رفتارهای توأم با خجالت و اضطراب با ارتباطات ضعیف‌تر همسالان، شایستگی درسی کمتر و در کل، تشویق‌های پایین‌تری در محیط مرتبط است. برعکس، در نمونه‌های آسیایی این‌گونه رفتارها با ارتباطات قوی‌تر با همسالان، شایستگی درسی بالاتر و تنبیه‌های بیشتری همراه است. دستیابی به هویت، مستلزم یکپارچه کردن منابع مختلف هویت در کلی یکپارچه و معنادار است؛ به گونه‌ای که فرد بتواند احساس تداوم و وحدت درونی را در خود حفظ و ارتباط متقابلی با جامعه‌اش برقرار کند که مملو از پاداش‌ها و تنبیه‌ها است (آقامحمدیان و شیخ روحانی، ۱۳۸۲).

با در نظر گرفتن فعالیت متفاوت نظام فعال‌ساز و نظام بازداری رفتاری در افراد مختلف، این سؤال مطرح می‌شود که آیا حساسیت متفاوت افراد نسبت به پاداش‌ها و تنبیه‌های موجود در محیط، می‌تواند شکل‌گیری انواع سبک‌های هویتی در افراد را پیش‌بینی نماید؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند کوششی جهت رفع نیاز اساسی هر جامعه به برنامه‌ریزی منسجم امور برای به حداکثر رساندن توانمندی‌های بالقوه قشر جوان باشد. بنابراین، می‌توان گفت که بررسی ارتباط این دو مؤلفه یعنی «حساسیت به پاداش و تنبیه» و «انواع سبک‌های هویت» برای یک جامعه جوان، مفید و بااهمیت است.

لازم به ذکر است به منظور سنجش قابلیت ارزیابی و نظم‌جویی خودکار رفتار افراد در مواجهه با چارچوب‌های متغیر محیطی، مفهوم حساسیت به پاداش و تنبیه از الگوی گری و فعالیت متفاوت دو نظام رفتاری وی وام گرفته شده است؛ چرا که افراد در نتیجه فعالیت متفاوت این دو نظام، نسبت به پاداش‌ها و تنبیه‌های محیطی حساسیت‌های متفاوتی را نشان می‌دهند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی دو نظام مغزی/ رفتاری گری انجام نشده است. بلکه از آنجا که در ایران و همچنین سایر کشورها پژوهشی که به بررسی ارتباط حساسیت به پاداش و

-
1. Davidson
 2. Hamil
 3. Chen, Cen, Li & He

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

تنبیه با سبک‌های هویت بپردازد یافت نشد. پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به سؤال پژوهش و روشن شدن ارتباط این متغیرها با یکدیگر انجام شد.

روش

روش پژوهش از نوع همبستگی است. حساسیت به پاداش و تنبیه به عنوان متغیرهای پیش‌بین و انواع سبک‌های هویت به عنوان متغیر ملاک انتخاب شدند. سن و جنس نیز به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شدند و اثر آن‌ها از طریق وارد کردن این متغیرها به مرحله اول رگرسیون سلسله مراتبی کنترل شد. جامعه آماری، شامل ۲۰۰۰ دانشجوی دوره‌های کاردانی و کارشناسی مشغول به تحصیل در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ دانشگاه آزاد کازرون بود. از بین این افراد، مطابق با فرمول اصلی ۱۰ درصد حجم نمونه (ساروخانی، ۱۳۸۴)، ۲۰۰ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. به این صورت که از بین دانشکده‌های موجود، ۳ دانشکده مهندسی، مدیریت و زبان انگلیسی و سپس از هر دانشکده، ۳ کلاس به صورت تصادفی بررسی شدند. در نهایت پس از ریزش ۱۲ آزمودنی به علت نامعتبر بودن پرسشنامه‌ها، حجم نمونه به ۱۸۸ نفر [۸۲ زن (۵۶/۴٪) و ۱۰۶ مرد (۴۳/۶٪)] کاهش یافت.

ابزار پژوهش

۱. مقیاس سبک‌های هویتی^۱. این مقیاس در سال ۱۹۹۸ توسط وایت، وامپلر و وین طراحی شده و مقیاسی خوداظهاری و دارای ۴۰ گویه است که جهت‌گیری افراد را در مسائل هویتی ارزیابی می‌کند. از مجموع این ۴۰ گویه، ۱۱ گویه سبک هویت اطلاعاتی، ۹ گویه سبک هویت هنجاری، ۱۰ گویه سبک هویتی سردرگم-اجتنابی و ۱۰ گویه میزان تعهد شخصی را اندازه‌گیری می‌کند که از این ۱۰ گویه در پژوهش حاضر استفاده نشد. چرا که برزونسکی آن را یک سبک هویت نمی‌داند و در مجموع تعداد گویه‌ها به ۳۰ گویه محدود شده است (برزونسکی و نیمیر^۲، ۱۹۹۴). با توجه به نتایج تحلیل عاملی توسط جوکار (۱۳۸۵)، ۴ گویه از سبک اطلاعاتی، ۲ گویه از سبک هنجاری و ۳ گویه از سبک سردرگم-اجتنابی به دلیل پایین بودن بار عاملی یا تداخل گویه‌ها حذف شدند. بنابراین در پژوهش حاضر از فرم ۲۱ گویه‌ای جوکار (۱۳۸۵) استفاده شد. مقیاس این پرسشنامه، پنج ارزشی و درجه‌بندی آن از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵ است. در این مقیاس، هر آزمودنی در هر گزینه می‌تواند نمره‌ای بین ۱ تا ۵ بگیرد و مجموع نمرات کل

1. Identity Style Inventory (ISI-6G)

2. Neymeyer

۲۱ سؤال که بین ۲۱ تا ۱۰۵ نمره است، نمره او را در مقیاس سبک‌های هویتی نشان می‌دهد. تهیه‌کنندگان اصلی مقیاس برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه، آن را در مورد ۳۶۱ دانشجوی اجرا و ضریب آلفای کرونباخ $0/59$ ، $0/64$ و $0/78$ را به ترتیب برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی گزارش کردند. روایی نسخه اصلی پرسشنامه توسط جوکار (۱۳۸۵) به روش همسانی درونی تأیید شده است. برای به دست آوردن روایی نسخه ۲۱ گویه‌ای، حسام‌پور (۱۳۸۵) از تحلیل عاملی به روش تأییدی و برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد. نتایج تحلیل عاملی وجود ۳ عامل را تأیید کرد و ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی به ترتیب برابر $0/66$ ، $0/68$ و $0/64$ گزارش شده است.

۲. پرسشنامه حساسیت به پاداش و تنبیه^۱. نسخه اصلی این پرسشنامه، یک مقیاس خودسنجی ۴۸ سؤالی است که شامل گویه‌هایی در مورد علایق و احساسات فرد است. گویه‌های فرد، حساسیت به تنبیه و گویه‌های زوج، حساسیت به پاداش را می‌سنجد. مقیاس حساسیت به تنبیه و نیز حساسیت به پاداش برای اولین بار توسط تروپیا و توپنا (۱۹۸۴) با هدف تدوین ابزاری برای اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی در فعالیت نظام بازداری رفتاری ساخته شد (تروپیا، آویلا، مولتو و کاسراس^۲، ۲۰۰۱). هدف سازندگان این مقیاس، سنجش حساسیت‌پذیری افراد به پاداش و در نتیجه اندازه‌گیری فعالیت‌های نظام فعال‌ساز رفتاری بود. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش تلفیقی از دو مقیاس ذکر شده است که توسط تروپیا و همکاران در سال ۲۰۰۱ ساخته شد. هدف از طراحی این پرسشنامه، سنجش همزمان فعالیت هر دو نظام بازداری و فعال‌ساز رفتاری بود و تفاوت‌های فردی در دو بعد به تصویر کشیده شده توسط گری را ارزیابی می‌کند. این ابعاد شامل بعد اضطراب یا حساس بودن نسبت به تنبیه و بعد تکانشی بودن یا حساسیت به پاداش است. در این مقیاس، هر آزمودنی در هر گزینه می‌تواند نمره‌ای بین ۱ تا ۲ به دست آورد و مجموع نمرات کل ۴۸ سؤال، نمره‌ای بین ۴۸ تا ۹۶ است. طراحان اصلی برای بررسی ویژگی‌های روان-سنجی پرسشنامه، آن را در مورد ۲۱۴۰ دانشجوی دوره کارشناسی اجرا کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤال‌های حساسیت به پاداش برابر $0/76$ و برای سؤال‌های مربوط به حساسیت به تنبیه برابر $0/82$ بود. سجادی (۱۳۸۶)، پایایی این پرسشنامه را در ایران با بررسی ۲۰۰ دانش-آموز دختر مقطع دبیرستان دو ناحیه شهر شیراز و با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آورد. نتایج نشان داد ضریب پایایی برای سؤال‌های فرد (که حساسیت به تنبیه را می‌سنجند)

1. Sensitivity to Punishment & Sensitivity to Reward (SPSR)
2. Avila, Molto & Caseras

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

۰/۷۴ و برای سؤال‌های زوج (که حساسیت به پاداش را می‌سنجند) ۰/۷۰ است. روایی صوری این پرسشنامه نیز به صورت درصد توافق سه متخصص روان‌شناسی در مورد این که سؤال‌های برای سنجش حساسیت به تنبیه یا پاداش مناسب هستند بررسی شد. این درصد توافق برابر ۸۱ درصد بود.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سنی گروه نمونه به ترتیب، ۲۲/۶۳ و ۲/۳ بود. ۵۸/۵۱ درصد از افراد گروه نمونه در مقطع کارشناسی و حدود ۴۱/۴۹ درصد بقیه در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل بودند. همچنین رشته تحصیلی شامل ۴۱٪ از دانشجویان مهندسی، ۲۷/۱۱٪ رشته مدیریت و ۳۱/۸۹٪ رشته زبان انگلیسی بود. میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در دو مقوله حساسیت به پاداش و تنبیه و سبک‌های هویت به تفکیک جنس در جدول ۱ درج گردیده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار گروه نمونه در متغیرهای پژوهش

مرد		زن		متغیرها	
انحراف معیار	میانگین	فرآوانی	انحراف معیار	میانگین	فرآوانی
۴/۳۵	۳۴/۴۷	۱۰۶	۴/۲۷	۳۲/۱۸	۸۲
۴/۱۲	۳۲/۷۱	۱۰۶	۴/۹۲	۳۳/۳۴	۸۲
۴/۱۷	۲۵/۰۲	۱۰۶	۳/۷۳	۲۴/۴۵	۸۲
۳/۰۹	۱۵/۳۴	۱۰۶	۲/۷۵	۱۵/۲۶	۸۲
۴/۷۲	۲۵/۹۵	۱۰۶	۴/۶۴	۲۶/۱۹	۸۲
				متغیرها	
				حساسیت نسبت به پاداش*	
				حساسیت نسبت به تنبیه	
				اطلاعاتی	
				هنجاری	
				سردرگم-اجتنابی	

قبل از انجام تحلیل‌های رگرسیون، روابط همبستگی بین متغیرهای پژوهش از طریق ارزیابی ماتریس همبستگی بررسی شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	حساسیت به پاداش	حساسیت به تنبیه	اطلاعاتی	سبک هنجاری	سبک سردرگم-اجتنابی
حساسیت به پاداش	۱				
حساسیت به تنبیه	.۳۹**	۱			
سبک اطلاعاتی	.۰۳۱**	.۰۲۷**	۱		
سبک هنجاری	.۰۲۴**	.۰۲۲**	.۰۴۵**	۱	
سبک سردرگم-اجتنابی	.۰۲۵**	.۰۳۶**	.۰۴۶**	.۰۴۴**	۱

**p<۰/۰۱

جدول ۲ نشان می‌دهد، متغیرهای حساسیت به پاداش و تنبیه با تمام انواع سبک‌های هویت همبستگی معناداری دارد. این بدان معناست که با افزایش حساسیت به پاداش و تنبیه، تغییر مثبتی در سبک‌های هویتی ایجاد می‌شود.

به منظور آزمون سؤال پژوهش، از رگرسیون چندمتغیره به شیوه سلسله مراتبی استفاده شد. متغیرهای جنس و سن که در پژوهش‌های قبلی بر سبک‌های هویت مؤثر بود به عنوان متغیرهای کنترل در مرحله اول، حساسیت به پاداش و تنبیه به عنوان متغیرهای پیش‌بین در مرحله دوم رگرسیون وارد تحلیل شد. ابعاد سبک‌های هویت (شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی) نیز به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول‌های ۳ تا ۸ درج شده است. در پیش‌بینی متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی، رگرسیون سلسله مراتبی جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد اثر مجموعه متغیرهای مرحله اول (جنس و سن) معنادار نیست. در مرحله دوم، با اضافه شدن متغیر حساسیت نسبت به پاداش که یکی از متغیرهای پیش‌بین اصلی است، توان پیش‌بینی ۸ درصد و در مرحله سوم، با اضافه شدن متغیر حساسیت به تنبیه که متغیر پیش‌بین دوم است، ۳ درصد افزایش یافته است. در نهایت، با وارد شدن دو متغیر اصلی پیش‌بین به الگوی رگرسیون، این دو متغیر توانستند ۱۳ درصد تغییرات متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی را پیش‌بینی کنند.

جدول ۳. خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی

الگو	R	مجدورR	خطای برآورد	تغییرات مجدورR	معنی داری
۱	۰/۱۲	۰/۰۱	۳/۹۸	۰/۰۱	۰/۲۳۷
۲	۰/۳۲	۰/۱۰	۳/۸۱	۰/۰۸	۰/۰۰۱
۳	۰/۳۶	۰/۱۳	۳/۷۶	۰/۰۳	۰/۰۱۴

جدول ۴. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی

متغیر	الگوی اول				الگوی دوم				الگوی سوم			
	p	t	SE	B	p	t	SE	B	p	t	SE	B
سن	۰/۱۹	-۱/۳۰	۰/۶۰	-۰/۰۹	۰/۲۸	-۱/۰۸	۰/۵۷	-۰/۰۷	۰/۳۵	-۰/۹۲	۰/۵۷	-۰/۰۶
جنس	۰/۳۰	-۱/۰۲	۰/۶۰	-۰/۰۷	۰/۸۹	۰/۱۳	۰/۶۰	۰/۰۱	۰/۷۴	-۰/۳۲	۰/۶۰	-۰/۰۲
حساسیت نسبت به پاداش												
حساسیت نسبت به تنبیه												
				۰/۱۳۵				۰/۰۱۴				R ²

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

در پیش‌بینی متغیر سبک هویت هنجاری، رگرسیون سلسله مراتبی، جدول‌های ۵ و ۶ نشان می‌دهد اثر مجموعه متغیرهای مرحله اول (جنس و سن) معنادار نیست. در مرحله دوم، با اضافه شدن متغیر حساسیت نسبت به پاداش، توان پیش‌بینی، ۷ درصد و در مرحله سوم، با اضافه شدن متغیر حساسیت به تنبیه، ۲ درصد افزایش یافته است. در نهایت، با وارد شدن دو متغیر اصلی پیش‌بینی به الگوی رگرسیون، این دو متغیر توانستند ۱۱ درصد تغییرات متغیر سبک هویت هنجاری را پیش‌بینی کنند.

جدول ۵. خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر سبک هویت هنجاری

الگو	R	مجدور R	خطای برآورد	تغییرات مجدور R	معنی داری
۱	۰/۱۵	۰/۰۲	۲/۹۶	۰/۰۲	۰/۱۲۲
۲	۰/۳۱	۰/۰۹	۲/۸۶	۰/۰۷	۰/۰۰۱
۳	۰/۳۴	۰/۱۱	۲/۸۳	۰/۰۲	۰/۰۴۰

جدول ۶. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر سبک هویت هنجاری

متغیر	الگوی اول				الگوی دوم				الگوی سوم			
	p	t	SE	B	p	t	SE	B	p	t	SE	B
سن	۰/۱۵	-۲/۰۶	۰/۴۴	-۰/۱۳	۰/۰۶	-۱/۸۷	۰/۴۳	-۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۱۲
جنس	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۴۵	۰/۰۸	۰/۲۵	۱/۱۳	۰/۴۵	۰/۰۸	-	۰/۷۴	۰/۴۵	-
حساسیت نسبت به پاداش												
حساسیت نسبت به تنبیه												
				۰/۲۸	۳/۷۶	۰/۰۵	۰/۲۸	۰/۰۱	۰/۱۶	۲/۶۳	۰/۰۵	۰/۱۶
				۰/۴۰	۰/۱۱۹							
												R ²

تحلیل رگرسیون برای متغیر وابسته سبک سردرگم-اجتنابی تا گام دوم پیش‌رفته است. در پیش‌بینی این متغیر، رگرسیون سلسله مراتبی در جدول‌های ۷ و ۸ نشان می‌دهد، اثر مجموعه متغیرهای مرحله اول (جنس و سن) معنادار نیست. از نتایج مندرج در جدول می‌توان مشاهده کرد که متغیر حساسیت به پاداش کنار گذاشته شده و میزان نمو ضریب تعیین (R^2) پس از کنترل متغیرهای جنس و سن برای متغیر پیش‌بینی حساسیت به تنبیه ۰/۱۴ بوده است. این بدان معناست که فقط متغیر حساسیت به تنبیه توانسته است ۱۴ درصد از واریانس متغیر وابسته سبک سردرگم-اجتنابی را پیش‌بینی کند.

جدول ۷. خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی متغیر سبک هویت سردرگم-اجتنابی

الگو	R	مجدور R	خطای بر آورد	تغییرات مجدور R	معنی داری
۱	۰/۰۷	۰/۰۰۶	۴/۷۵	۰/۰۰۶	۰/۶۱
۲	۰/۳۸	۰/۱۴	۴/۴۱	۰/۱۴	۰/۰۰۱

جدول ۸. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی متغیر سبک هویت سردرگم-اجتنابی

متغیر	الگوی اول				الگوی دوم			
	B	SE	t	p	B	SE	t	p
سن	-۰/۶۱	۰/۷۲	-۰/۸۵	۰/۳۹	-۰/۰۳	۰/۶۷	-۰/۴۴	۰/۶۶
جنس	۰/۳۹	۰/۷۲	۰/۵۴	۰/۵۸	۰/۰۲	۰/۶۷	۰/۲۷	۰/۷۸
حساسیت نسبت به تنبیه		۰/۰۰۱		۰/۱۴۸		۵/۳۹		۰/۰۰۱
R ²		۰/۰۰۱		۰/۱۴۸				

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی، یافته‌های حاصل از ضرایب همبستگی و معادلات رگرسیونی حکایت از آن داشت که بین دو متغیر حساسیت به پاداش و تنبیه و سبک‌های هویتی ارتباط معنادار است و سبک‌های هویتی به طور متفاوتی به وسیله حساسیت به پاداش و تنبیه قابل پیش‌بینی است. مفاهیم حساسیت به پاداش و تنبیه بر اساس دو نظام بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری نظریه گری (۱۹۹۴) که خاستگاه زیست‌شناختی دارند مطرح شده‌اند. گری (۱۹۹۴) نظام‌های بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری را عامل زمینه‌ساز تفاوت‌های شخصیتی در افراد می‌داند. بنابراین یکی از دلالت‌های ضمنی نتایج این مطالعه ممکن است این باشد که عوامل مغزی/ رفتاری بر شکل‌گیری سبک‌های هویتی فرد اثرگذارند. در سطحی اختصاصی‌تر، نتایج این پژوهش نشان داد حساسیت به پاداش به نحو نیرومندتری می‌تواند سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری را پیش‌بینی کند، در حالی که حساسیت به تنبیه به نحو مؤثرتری سبک هویت سردرگم-اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند.

در توجیه ارتباط میان حساسیت به پاداش و تنبیه و سبک هویت اطلاعاتی، می‌توان به یافته‌های برزونسکی اشاره کرد. وی معتقد است افراد با سبک اطلاعاتی در برخورد با مسائل هویتی به شیوه فعال عمل می‌کنند به گونه‌ای که کنکاش‌هایشان در محیط، هدفمند است (جوکار، ۱۳۸۵). برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نیز در این زمینه معتقدند که سبک هویت اطلاعاتی با مهارت‌های مقابله‌ای مسأله‌مدار در محیط رابطه مثبت دارد. از آنجا که شکل‌گیری هویت نمی‌تواند در خلأ مطالعه شود و تجارب بافتی نیز بر رشد فرد تأثیرگذار است (اسوانسون، اسپنسر، دل انگلو، هارپالانی و اسپنسر^۱، ۲۰۰۲) و سبک هویت اطلاعاتی به لحاظ شناخت‌شناسی، بافت-

1. Swanson, Spencer, Dell Angelo, Harpalani & Spencer

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

نگر توصیف شده است (جوکار، ۱۳۸۵)، بی شک پاداش‌ها و تنبیه‌های موجود در بافت محیط (به عنوان عامل بیرونی) در تعامل با حساسیت نسبت به آن‌ها (به عنوان عامل درونی) می‌تواند در شکل‌گیری سبک هویت فرد مؤثر باشد. ضمناً، توجه به این نکته حائز اهمیت است که حساسیت به پاداش نسبت به حساسیت به تنبیه به نحو نیرومندتری سبک اطلاعاتی را پیش‌بینی کرده است.

رابطهٔ میان سبک هویت هنجاری و حساسیت به پاداش و تنبیه را می‌توان از زاویه‌ای که برزونسکی به آن نگریسته است، تحلیل نمود. براساس نظر وی، افراد دارای سبک هویت هنجاری هماهنگ با انتظارات و تجویزهای گروه‌های مرجع و افراد مهم، عمل می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۳). از آنجا که برزونسکی در تعریفش از سبک هویت هنجاری، تعهد صرف نسبت به گروه‌های مرجع را برجسته نموده، بنابراین، قابل توجه است که حساسیت افراد به پاداش و تنبیه (عامل درونی) در تعامل با تنبیه‌ها و پاداش‌های گروه‌های مرجع در شکل‌گیری سبک هویتی مؤثر باشد. در این مورد نیز حساسیت به پاداش نسبت به حساسیت به تنبیه به نحو نیرومندتری سبک هویت هنجاری را پیش‌بینی کرده است.

یافته دیگر این پژوهش آن بود که فقط حساسیت به تنبیه، توانایی پیش‌بینی سبک هویت سردرگم-اجتنابی را دارد. افراد دارای این سبک هویتی، از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری اجتناب و عمدتاً در این زمینه تعلل و درنگ می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۴). یکی از عوامل شکل‌گیری سبک هویتی سردرگم-اجتنابی می‌تواند حساسیت این افراد به تنبیه باشد. از سوی دیگر، در هر جامعه‌ای و به تبع آن هر خانواده‌ای از هر دو روش تربیتی پاداش و تنبیه استفاده می‌شود و تعلل و درنگ در اتخاذ سبک هویتی مورد قبول جامعه به تنبیه‌های اجتماعی منجر می‌شود و این خود ممکن است افراد حساس نسبت به تنبیه را حساس‌تر نماید. با توجه به نتایج مطالعهٔ همیل (۲۰۰۷)، مبنی بر نقش تعدیل‌کنندگی متغیر هویت فرهنگی در رابطهٔ بین نظام‌های بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری و علائم افسردگی و نتایج مطالعهٔ ثابتی و شایسته فرد منجر می‌شود و این خود ممکن است افراد حساس نسبت به تنبیه را حساس‌تر نماید. با توجه به (۱۳۸۴) مبنی بر فزونی تنبیه‌ها بر پاداش‌ها در فرهنگ ایرانی، ممکن است در فرهنگ ایرانی به دلیل فزونی تنبیه‌ها، حساسیت افراد به تنبیه بیشتر برانگیخته شود و یافته فوق به فرهنگ‌هایی که در آن‌ها پاداش بیشتر است قابل تعمیم نباشد.

حساسیت به پاداش و تنبیه پیش‌بینی‌کنندهٔ هر دو نوع سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی بود. دانشورپور، تاجیک اسمعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری (۱۳۸۶) در بررسی سبک‌های هویت نشان دادند که در جوامع جمع‌گرا، مقایسهٔ افراد هنجاری و اطلاعاتی تنها بر مبنای اشتراکات آن‌ها امکان‌پذیر است، در حالی که برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) نشان دادند که در جوامع فردگرا مقایسهٔ افراد هنجاری و اطلاعاتی، با تمرکز بر تفاوت میان آن‌ها امکان‌پذیر است. وجود اشتراکات دو

متغیر حساسیت به پاداش و تنبیه در پیش بینی دو سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی ممکن است به این دلیل احتمالی باشد که در جامعه ایران این دو نوع سبک هویتی همپوشانی بالایی با یکدیگر دارند. بدیهی است بررسی این موضوع نیاز به پژوهش های مستقلی دارد.

گرچه پیش بینی هر دو سبک اطلاعاتی و هنجاری بر اساس حساسیت به پاداش و تنبیه از لحاظ آماری معنادار بود، اما یافته ها از لحاظ کمی در هر دو مورد، گویای نقش بیشتر حساسیت به پاداش در مقایسه با حساسیت به تنبیه برای پیش بینی است. برای توجیه این یافته می توان به نتایج مطالعاتی اشاره کرد که نشان داده اند برای تغییر رفتار، پاداش از تنبیه مؤثرتر است (باگل اسکای، ۱۹۶۴). درست است که در مطالعه حاضر رابطه پاداش و تنبیه با سبک های اطلاعاتی مورد بررسی قرار نگرفت، ولی باید به این نکته توجه نمود که به طور معمول افراد حساس به پاداش، پاداش های ارائه شده در محیط را بیشتر مورد توجه قرار می دهند و به خاطر نیرومندی اثر پاداش نسبت به تنبیه، حساسیت آن ها ارتباط بیشتری با سبک های اطلاعاتی و هنجاری مورد پذیرش جامعه پیدا می کند.

یافته های پژوهش حاضر از دو جهت نظری و عملی جای تعمق دارد. به لحاظ نظری، ارتباط نظام های مغزی/ رفتاری و سبک های هویت را روشن تر ساخت و نشان داد که حساسیت درونی افراد به پاداش و تنبیه، در تبیین سبک های هویتی متفاوت افراد سهیم است. از لحاظ عملی، نتایج این پژوهش به دست اندرکاران تعلیم و تربیت توصیه می کند که با استفاده به جا و مناسب از حساسیت فراگیران به پاداش و تنبیه می توانند در رشد هویت سالم در آن ها مؤثر واقع شوند. البته، با اطمینان بیشتری می توان گفت که در نظام تعلیم و تربیت استفاده از حساسیت فراگیران نسبت به پاداش در شکل دهی سبک های هویت می تواند به سبک های هویتی سالم تری منجر شود. با وجود این، استفاده از حساسیت فراگیران به تنبیه همواره ممکن است به سبک های هویتی سالمی منجر نشود. یافته های این پژوهش همچنین می تواند برای متخصصان روان درمانی دلالت های آشکاری داشته باشد. پیشرفت های اخیر در روان درمانی تلفیقی، به این نتیجه منجر شده است که برای بالا بردن اثر روش های روان درمانی باید سبک انطباقی مراجعین را مد نظر قرار داد. افرادی با سبک انطباقی برون فکنانه از مداخله هایی بیشتر سود می برند که بر کنترل یا دستکاری محرک های بیرونی مبتنی باشد. برعکس، افرادی با سبک انطباقی درون فکنانه از مداخله هایی بیشتر بهره می برند که بر کنترل یا دستکاری محرک های درونی تأکید داشته باشد (نووین، برتونی، چاروات، گیتانچی و بوتلر^۱ ۲۰۰۷).

پیش‌بینی سبک‌های هویت براساس حساسیت نسبت به پاداش و تنبیه

با توجه به این یافته‌ها می‌توان انتظار داشت که افراد دارای سبک‌های هویتی مختلف نیز به مداخله‌های متفاوتی پاسخ دهند. مثلاً، ممکن است افراد دارای سبک هویتی سردرگم-اجتنابی که از نظر ویژگی‌های شخصیتی مشابهت‌هایی با افراد دارای سبک انطباقی برون‌فکنانه دارند به مداخله‌های مبتنی بر محرک‌های بیرونی بهتر پاسخ دهند و افراد دارای سبک هویتی هنجاری یا اطلاعاتی پاسخ بهتری به مداخله‌های مبتنی بر محرک‌های درونی بدهند. علاوه بر این، به منظور انجام مداخله‌های روان‌شناختی در نظر گرفتن حساسیت مراجعین به تشویق یا تنبیه (که مبتنی بر نظام‌های مغزی/ رفتاری است) هم از لحاظ پیش‌بینی سبک‌های هویتی و هم از لحاظ ارتباط این دو متغیر با سایر عوامل شخصیتی می‌تواند حائز اهمیت باشد. پژوهش‌های آینده باید در جهت روشن کردن این روابط فرضی گام بردارد.

از جمله محدودیت‌های قابل ذکر در این پژوهش، انتخاب جامعه و نمونه آماری از دانشجویان دانشگاه آزاد یک شهرستان کوچک است. بنابراین، می‌بایست نتایج پژوهش را با احتیاط به دانشجویان سایر رشته‌ها یا دانشگاه‌ها و همچنین سایر قشرها تعمیم داد. ضمناً ذکر این نکته حائز اهمیت است که چون در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه حساسیت به پاداش و تنبیه نظام‌های مغزی/ رفتاری مطرح شده توسط گری بررسی شده است نمی‌توان نتیجه گرفت که به صورت مستقیم رابطه بین این نظام‌ها و هویت بررسی شده است. ضمن این که باید توجه داشت که در پرسشنامه حساسیت به پاداش و تنبیه در مورد سومین نظام مغزی/ رفتاری الگوی گری (نظام جنگ و گریز) سنجشی صورت نمی‌گیرد. چون در پژوهش حاضر نقش تعدیل‌کننده عوامل فرهنگی بررسی نشد، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده نقش عامل فوق در تعامل با متغیرهای حساسیت به پاداش و تنبیه و سبک هویت مطالعه شود. پیشنهاد دیگر این است که نقش عوامل بیرونی مانند سبک پاداش‌دهی والدین در تعامل با حساسیت به پاداش و تنبیه در شکل‌گیری هویت بررسی شود.

منابع

آقامحمدیان، حمیدرضا، و شیخ روحانی، سعید. (۱۳۸۲). مفهوم و فرایند شکل‌گیری هویت، تأثیر عوامل اجتماعی و اصلاح و درمان مسائل هویت. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۹۹-۲۲۶: (۱)۴.

ثابتی، فهیمه، و شایسته فرد، مرضیه. (۱۳۸۴). کودک و سوء رفتار در خانواده. *مجله بیماری‌های کودکان*: ویژه نامه هفدهمین همایش بین‌المللی کودکان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، دوره ۱۵، ویژه نامه ۱، ص. ۲۱۶.

- جوکار، بهرام. (۱۳۸۵). بررسی رابطه کنش سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۷(۱): ۳۱-۴۸.
- حسام‌پور، مریم. (۱۳۸۵). *نقش واسطه‌ای سبک‌های هویت در میان روابط اجتماعی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- دانشورپور، زهره، تاجیک اسمعیلی، عزیزالله، شهرآرای، مهرانز، فرزاد، ولی‌الله، و شکری، امید. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳(۴): ۳۹۳-۴۰۴.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*. جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی، مریم. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه بین حساسیت نسبت به تنبیه، تشویق و درون‌گرایی، برون‌گرایی اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- هاشمی، زهرا. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی (اسلامی) با ابعاد هویت و سبک‌های هویت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.

- Berzonsky, M. D. (1994). Self-identity: Relationship between process and content. *Research in Personality*, 28: 453-460.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An international Journal of Theory and Research*, 3: 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction and personal epistemic assumption: A Social-Cognitive perception. *Development Psychology*, 1: 303-315.
- Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44: 643-653.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39: 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J. (1994). Ego identity status and identity process orientation: The moderating role of commitment. *Research in Personality*, 28: 425-435.
- Bugelski, B. R. (1964). *The psychology of learning applied to teaching*. Indianapolis, Ind., Bobbs, Merrill.
- Chen, X., Cen, G., Li, D., & He, Y. (2005). Social functioning and adjustment in Chinese children: The imprint of historical time. *Child Development*, 76: 182-195.
- Davidson, R. J. (1998). Affective style and affective disorders: Perspectives from Affective Neuroscience. *Cognition and Emotion*, 12: 307-330.

- Fox, N. A., Henderson, H. A., Marshall, P. J., Nichols, K. E., & Ghera, M. M. (2005). Behavioral inhibition: Linking biology and behavior within a developmental framework. *Annual Review of Psychology*, 56: 235-262.
- Gray, J. A. (1994). *Three fundamental emotion systems*. In P. Ekman & R. J. Davidson (Eds.). *The nature of emotion: Fundamental questions*. (pp. 243-247). New York: Oxford University Press.
- Gray, J. A. (1987). *The physiology of fear and stress (2nd Edition)*. New York: Cambridge.
- Hamil, S. K. (2007). *Affective Style and Depressive Symptoms in North American Plains Indian Youth: Do Peer Relations and Cultural Identity Play a Role?*. M.S thesis. University of Wyoming.
- Johnson, S. L., Turner, R. J., & Iwata, N. (2003). BIS/BAS levels and psychiatric disorder: An epidemiological study. *Psychopathology and Behavioral Assessment*, 25: 25-36.
- Kasch, K. L., Rottenberg, J., Arnow, B. A., & Gotlib, I. H. (2002). Behavioral activation and inhibition systems and the severity and course of depression. *Abnormal Psychology*, 111: 589-597.
- Leen-Felner, E. W., Zvolensky, M. J., & Feldner, M. T. (2004). Behavioral inhibition sensitivity and emotional response suppression: A laboratory test among adolescents in a fear-relevant paradigm. *Clinical Child and Adolescent Psychology*, 33: 783-791.
- McFarlan, B. R., Shankman, S. A., Tenke, C. E., Bruder, G. E., & Klein, D. N. (2006). Behavioral Activation system deficits predict the six-month course of depression. *Affective Disorders*, 91: 229-234.
- Montgomery, M. J. (2005). Psychological intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood, *Adolescent Research*, 20: 346-374.
- Nguyen, T. T., Bertoni, M., Charvat, M., Gheyntanchi, A., & Beutler, L. E. (2007). Systematic treatment selection (STS): A review and future directions, *International Journal of Behavioral and Consultation Therapy*, 3: 13-28.
- Sneed, J. R., & Whitbourn, S. K. (2003). Identity Processing and self consciousness in middle and later adulthood. *Journal of Gerontology*, 58: 313-320.
- Swanson, D. P., Spencer, M. B., DellAngelo, T., Harpalani, V., & Spencer, T. R. (2002). Identity processes and the positive youth development of African Americans: An explanatory framework. *New Direction for Youth Development*, 95: 73-99.
- Torrubia, R., Avila, C., Molto, J., & Caseras, X. (2001). The sensitivity to punishment and sensitivity to reward questionnaire (SPSRQ) as a measure of Gray's anxiety and impulsivity dimensions. *Personality and Individual Differences*, 31: 837-862.
- Torrubia, R., & Tobena, A. (1984). A scale for the assessment of susceptibility to punishment as a measure of anxiety: Preliminary results. *Personality and Individual Differences*, 5: 371-375.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The identity style inventory: A revision with six-grade reading level. *Journal of Adolescent Research*, 13: 223-245.